

راز سقوط بشار اسد از زبان سردار کوثری &#۴۷؛ نیروهای ارتش سوریه خیانت کردند &#۴۷؛ ایران به سوریه به صورت مستشاری کمک کرد

سردار اسماعیل کوثری از فرماندهان پیشین سپاه و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی معتقد است: اگر ایران با داعش در سوریه مبارزه نمی‌کرد باید شاهد جنایات آنها در داخل ایران می‌بودیم.

به گزارش سایت خبری پرسون، اسماعیل کوثری عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، عدم وحدت در سوریه و به ویژه وجود خیانت بین نیروهای ارتش سوریه را از دلایل عمده سقوط حکومت بشار اسد عنوان می‌کند.

در ادامه بخشی از گفتگوی جماران با سردار اسماعیل کوثری از فرماندهان پیشین سپاه و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی را می‌خوانید:

از دیدگاه شما چرا حکومت بشار اسد به یکباره سقوط کرد؟

ایران در سوریه هم حضور مستشاری داشت و هم کارهای اطلاعاتی می‌کرد همچنین اگر نیاز بود به ارتش سوریه راهنمایی‌ها و مشورت‌های فکری نیز ارائه می‌کرد. حال اینکه چرا حکومت بشار اسد به یکباره سقوط کرد موضوع این است که ما از پنج ماه گذشته که مقام معظم رهبری فرمودند همه موارد را به اطلاع مسئولان سوری رساندیم، اما اینکه آنها از این راهنمایی‌ها استفاده نکردند یا به آن به دقت توجه نکردند بحث دیگری است. یقیناً جدا از این موضوع که وحدت لازم در سوریه نبود، بلکه تا حدودی در بین نیروهای ارتش سوریه نیز خیانت رخ داد. در نتیجه زمانی که در یک کشور، نیروهای نظامی‌اش به تعبیری پای کار نباشند یقیناً این گونه خواهد شد که یک حکومت به یکباره سقوط می‌کند، چرا که کسی نیست که از کشور دفاع کند.

ما در زمان داعش به صورت مستشاری، پیش‌بینی‌های لازم را انجام داده بودیم به ویژه اینکه سردار حسین همدانی که با ارتش و بشار اسد گفت و گو کردند مبنی بر اینکه از نیروهای مردمی به صورت مطلوب استفاده شود و آنها را مسلح کنند. ارتش سوریه در ابتدا با این امر موافقت نمی‌کرد، اما بعدها بشار اسد توجیه شد و پذیرفت. در نتیجه در مرحله اول، ۷۰ هزار نفر نیروهای مردمی به نام «دفاع وطنی» که شبیه بسیج ما است مسلح شدند و در مقابله و ضربه به داعش بسیار موثر بودند. تعداد نیروهای یاد شده روز به روز افزایش یافت و در نهایت این گونه شد که باید این نیروها را تقویت و گسترش می‌دادند تا در روزهای مبادا در کنار ارتش به مقابله بپردازند.

متأسفانه این گروه مردمی را به تدریج منحل کردند و به اینجا رسید که ارتش نتوانست مانع پیشروی گروه‌های مسلح در شهرهای سوریه و رسیدن آنها به دمشق پایتخت سوریه شود. بنابراین در درجه اول، نیروهای نظامی یک کشور هستند که هم باید کار اطلاعاتی انجام دهند، هم آمادگی مقابله با دشمن را داشته باشند، هم به نیروهایشان آموزش دهند و هم بتوانند کاری کنند آمادگی آنها به طور همه جانبه حفظ شود تا در مواقع خاص، مانع رسیدن دشمن به اهدافش شوند.

رهبری در جمله ای به این موضوع اشاره داشتند که ما به جای ارتش دیگری نمی‌جنگیم با توجه به اینکه بسیاری بر این باورند که در دوره حضور داعش به جای ارتش سوریه و عراق جنگیدیم، ارزیابی شما از این صحبت‌ها چیست؟

به نظر می‌رسد این افراد اصلاً توجیه نیستند و صرفاً براساس اخبار و شنیده‌ها چنین تحلیل‌ها و اظهاراتی را مطرح می‌کنند. در حقیقت در آن زمان، ارتش سوریه به تنهایی موثر بود و حتی تشکیل «دفاع وطنی» را نیز پذیرفت. ایران، زینبیون، حیدریون شامل افغانستان، پاکستان و حتی یمنی‌ها نیز به سوریه آمدند؛ در اینجا بود که یک قرارگاه مشترک تشکیل شد. به رغم حضور اینها، ارتش سوریه نیز اقداماتش را به خوبی در آن مقطع زمانی انجام داد.

ایران در سوریه حضور داشت و حزب‌الله نیز بود؛ حال اینکه بگوییم به جای ارتش سوریه، عمل کردیم این گونه نیست و اصلاً شدنی نیست. در حقیقت ارتش باید بایستد و بقیه نیروها و گروه‌ها به آن کمک کنند؛ چه سوریه باشد و چه کشور دیگری باشد، در نتیجه باید گفت این امر در بسیاری از کشورها نیز وجود دارد. حال اینکه اکنون ارتش سوریه، وظایفش را آن گونه که باید، انجام نداد و همین امر باعث شد که حتی از ایران نخواستند به آنها کمک کنیم آن هم به دلیل یک سری مسائل موجود در داخل ارتش سوریه بود که هنوز جزییات آن قابل بازگویی نیست.

آقای کوثری! با توجه به اتفاقات سوریه که به سرعت نیز رخ داد بسیاری معتقدند که ایران از معادلات سوریه کنار گذاشته شده است، ارزیابی شما در این باره چیست؟

ایران چگونه و از کدام معادلات کنار گذاشته شد؟! مگر ایران به سوریه رفته بود و آن کشور را اشغال کرد و به خاک خود ضمیمه کرده بود؟! در حقیقت سوریه یک رئیس‌جمهور به نام بشار اسد داشت، ارتش داشت. ایران به سوریه به صورت مستشاری کمک کرد و از سوریه برای پشتیبانی از حزب الله، غزه و مردم فلسطین استفاده کرد. ما در سوریه کار دیگری انجام نداریم.

بسیاری از نیروهای انقلابی و ارزشی از یکسو و مخالفین و منتقدین از طرف دیگر، حضور جمهوری اسلامی ایران در سوریه طی سالهای قبل را در کنار وقایع اخیر می گذارند و آن حضور را بیهوده قلمداد می کنند. نظر شما در خصوص این ابهامات و شبهات چیست؟

اگر حضور ایران در سوریه بیهوده بود آن زمان وقتی داعش به ایران می رسید افرادی که چنین اظهاراتی را مطرح می کنند کجا بودند که جلوی داعش بایستند و مقاومت کنند؟! در حقیقت بحث ما بحث فلسطین بود که از سال ۱۳۴۱ در کلام و نظرات امام «ره» مطرح بود. به بیان دیگر این گونه نبود که جمهوری اسلامی از همان آغاز تشکیل حکومت، بحث فلسطین را مطرح کند، بلکه از سالهای ۱۳۴۹ امثال مرحوم فلسفی در مسجد این موضوع را مطرح می کردند. حضرت امام(ره) از همه علما خواستند که در این باره صحبت کنند شهید مطهری هم در این باره سخنرانی های بسیاری داشت. در نتیجه، مسأله فلسطین بدین گونه است که این جرثومه فساد یعنی اسرائیل آمده روابط بین کشورهای اسلام را برهم بزند و اختلاف بیندازد. بنابراین، همواره حضرت امام(ره)، مقام معظم رهبری، شهید آیت الله مطهری (ره) و سایر علما هشدارهایی در این باره دادند.

اگر ما می خواستیم به فلسطین و مردم آن کمک کنیم به هر حال باید از یک جایی رد می شدیم. به همین دلیل سوریه گزینه خوبی بود. با عراق و صدام جنگ داشتیم، پس از چند سال نیز آمریکا، عراق را اشغال کرد. از سال ۶۱ که به سوریه رفتیم حزب الله را تشکیل دادیم که در اصل پشتیبان مردم فلسطین بود، چه حماس و چه جهاد اسلامی.

درباره این موضوع که برخی حضور ایران در سوریه را بیهوده تلقی می کنند، باید گفت که حرف ها و تحلیل های بی پایه و اساس بسیاری می توان داشت، اما باید به این موضوع مهم توجه کرد که هدف اصلی چه بوده و اقدامات صورت گرفته بر چه اساسی بوده است؛ آن زمان می توان اظهار نظر دقیقی ارائه داد. اگر ایران در سوریه حضور پیدا نمی کرد، وقتی داعش به داخل کشور می آمد و آن جنایت ها را انجام می داد (که البته هیچ گاه نمی توانست در ایران انجام دهد) آن زمان چه کسی می خواست پاسخگو باشد؟! حتی همین عده اینگونه می گفتند که چرا نرفتید جلوی داعش را بگیرید؟! در نهایت طلبکار هم می شدند. بنابراین، بحث حضور ایران در سوریه، دلایل متقن و محکمی داشته است، انشاء الله جبهه مقاومت نیز کار خود را دنبال خواهد کرد.

سقوط حکومت سوریه، در جایگاه و نفوذ منطقه ای ایران چه اثری خواهد گذاشت؟ به نظر شما آیا امکان ایجاد رابطه با دولت آتی سوریه وجود خواهد داشت؟

در این باره نیازمند تأمل بیشتری هستیم تا ببینیم افراد و گروه هایی که سوریه را اشغال کردند بر چه معیار و اساسی عمل خواهند کرد. انقلاب اسلامی زمانی که تشکیل شد حضرت امام(ره)، همه اهداف این انقلاب را مشخص کرده بود مبنی بر اینکه طاغوت باید از بین برود، با ابر قدرت شرق و غرب کاری نداریم. بنابراین، خط مشی انقلاب اسلامی از همان ابتدا مشخص شده بود. اینها در سوریه هنوز چیزی را مشخص نکردند؛ از یک سو می خواهند خودشان را دموکرات معرفی کنند، در حالی که شامل گروه های متعددی هستند که از سوی آمریکا و اسرائیل حمایت می شوند، اما مشخص نیست که تا کجا می خواهند با یکدیگر همراه باشند و پیش بروند. زمان تقسیم مسئولیت ها، همه چیز مشخص خواهد شد.

یعنی این دوران را دوران انتظار می دانید...

بله، اکنون دوران انتظار است، گروه های مسلح حاکم بر سوریه گروه هایی هستند که هنوز ثبات پیدا نکرده اند. زمانی که ثبات پیدا کنند بسیاری از قضایا روشن خواهد شد. به هر حال باید پاسخگوی مردم سوریه باشند. مردم سوریه به آنها خواهند گفت که بشار اسد را کنار زدید و حکومت را به دست آوردید، اکنون چه اقداماتی را می خواهید انجام دهید؟! وضعیت اقتصادی سوریه و ارتش باید ساخته شود زیر ساخت ها از بین رفته است چه کسی می خواهد اینها را بسازد؟ اسرائیل جنایتکار همه زیر ساخت های نظامی و دفاعی را از بین برده است. معیشت مردم در خطر است و از بین رفته است. آیا سوریه تحت سلطه اسرائیل، ترکیه و آمریکا خواهد بود؟ اینها باید مشخص شود. همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند بالاخره جوانان سوریه، اقدامات خود را براساس معیارهای ملی و اعتقادی انجام خواهند داد اینجاست که باید منتظر ماند که وضعیت سوریه به کجا خواهد رسید.